

دین

از تجربه حضور تان با بهرام بیضایی در فیلم «سگ کشی» بگویند؟

همان موقع هم متاسفانه من غافل بودم، من در این فیلم نقش خودم را بازی کردم اما حالا پشیمانم که چرا به غیر از صحنه‌هایی که در آن حضور داشتم، در حین کار در کنار استاد بیضایی، ایشان را به تماشا ننشسته و از تجربه آفرینش بی بهره بودم. من این نبود خود را در آن زمان غفلت می‌دانم. متاسفانه این مسائل را زمانی متوجه می‌شویم که دیگر فرصت از دست رفته و بودن در محضر استاد قابل بازگشت نیست، ضمن اینکه من معتقدم که اصولاً یادگیری تمامی ندارد. با این حال معتقدم عدم حضور بزرگان به هر دلیلی؛ مهاجرت، شرایط بد اقتصادی و... باعث لطمه خوردن به تئاتر ایران می‌شود چرا که یک اجرای پررونق فقط یک اجرا نیست و بازخوردهای مثبت زیادی دارد، همان طور که اجرای «پرده خانه» گلاب آدینه از همان ابتدا که قدرت بازیگران اصلی را پرورش می‌دهد فرصتی فراخ برای هنر جوان مبتدی ایشان فراهم کرده است که ضمن تجربه ماندگاری که رقم می‌زنند تعلیم هم می‌بینند. برای تماشاگران هم تجربه دیدن یک اثر جذاب را به همراه دارد.

اینکه عده‌ای در کنار هم جمع می‌شوند تا یک موضوع اجتماعی را به چالش بکشند این تجربه با هم دیدن باعث فرهنگ‌سازی و کاتارسیس اجتماعی می‌شود که ما حاصل آن شبیه به یک امر شبه‌آیینی و وحدت آفرین عمل می‌کند که در تسهیل امر گفتار و بده‌بستان‌های اجتماعی مردمی بسیار موثر است. در تصمیم‌گیری‌های کلان شهری لازم است که در تمامی مناطق شهری و استانی در ایران تماشاخانه‌های حرفه‌ای داشته باشیم تا در زیر سایه هنر در مانگر و انسان‌ساز تئاتر شاهد فرهنگ‌سازی جمعی با ریشه‌ای کاملاً آیینی و علمی باشیم.

در حال حاضر داوود فتحعلی بیگی را بیشتر با پدر نمایش‌های ایرانی می‌شناسیم. برای حفظ و ماندگاری شیوه‌های نمایشی ایرانی در حال حاضر چه اقداماتی در حال انجام است؟

شیوه‌های نمایش ایرانی

هم از مباحث مغفول مانده است. سال‌هاست که در حال پافشاری و اصرار هستیم که برای این میراث ماندگار هنری ایران در دانشگاه‌ها رشته‌ای تخصصی تبیین و راه‌اندازی شود. حتی برای این رشته شرح درسی تعریف کرده و ارائه داده‌ایم اما متاسفانه هنوز وزارت علوم به این نتیجه نرسیده که با وجود این حجم از مقالات علمی و پژوهشی در این حوزه رشته‌ای تخصصی راه‌اندازی کند. در حالی که برای ساختن و آفرینش یک حال پر بار، ما دائماً باید به گذشته رجوع و آن را در زمان امروز معنی کنیم. اگر ما گذشته را به خوبی نشناخته و درک نکرده باشیم چطور باید به آن بپردازیم؟ بنابراین تازمانی که آموزش نباشد، آفرینش هم دچار مشکل می‌شود. متاسفانه در حال حاضر ما یک مکان اختصاصی و کارپردی به تناسب نمایش ایرانی برای اجرای این سبک نمایشی نداریم. منظورم تماشاخانه‌ای است که بر حسب سنت اجرایی نمایش ایرانی ساخته شده باشد و هنرمندان در حلقه میانی تماشاگران، به ایفای نقش بپردازند. چنانچه اگر همین نکته صحنه‌ای از نمایش ایرانی رعایت شود، هنرمندان هم ناچار هستند که برای ایفای نقش در این سبک، اصول و مبانی نمایش ایرانی از جمله سیاه بازی و تخت روحی و... را فرابگیرند. به همین ترتیب مخاطبان هم اگر بدانند مکانی است که نمایش ایرانی را به مفهوم درست کلمه به اجرا می‌برد، حتما تماشاگر این سبک از نمایش را در برنامه‌های خود می‌گنجانند.

امیر آزاد روستا:

باز بگری تئاتر یک عشق است و جنون مقدس

در ابتدا برای آشنایی مخاطب بفرمایید از چه زمانی است که در حوزه نمایش فعالیت می‌کنید؟

از سال ۱۳۷۷ فعالیت‌ام در نمایش با بازیگری، نویسندگی و کارگردانی آغاز شده است. اجرایی که در طول این سال‌ها از آن راضی بوده‌ام، نمایش عمو هاشم به کارگردانی استاد فتحعلی بیگی بوده است. امسال هم در نمایش در و گبر و یک قرص نان، افتخار دستبازی هنری و بازیگری در این نمایش را داشته‌ام.

نقش پردازی خوب شما در این نمایش حاکی از تسلط بیانی و بدنی شما در بازیگری تئاتر است، لطفاً بفرمایید آموزش‌ها و تجربه‌های لازم در این حرفه را چگونه کسب کرده‌اید؟

اجرای نمایش‌های ایرانی به ویژه نقالی و تعزیه‌ها در این کار آبدیده کرده است. نمایش‌های ایرانی خاصیتی دارد که برای اجرای آن باید تسلط بیانی خوبی بر واژه و واژه‌های که ادا می‌کنید داشته باشید. من از ۶ تا ۱۵ سالگی به عنوان بازیگر در مراسم تعزیه خوانی حضور داشتم. دروازه ورود من به هنرهای نمایشی تعزیه بوده است.

با توجه به تجربه حضور تان در هنر تعزیه خوانی تأثیر این هنر مغفول مانده در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تعزیه در برگیرنده چندین زیرشاخه هنری است به همین دلیل اگر خانواده‌ای به تماشای این هنر آیینی ایرانی بنشیند کم‌کم اعضای خانواده هنر دوست می‌شوند و با زبان شعر، هنرهای نمایشی، ادبیات و رنگ‌شناسی آشنایی پیدا می‌کنند. در واقع تعزیه یک رسانه است که هفت هنر را در بر می‌گیرد و در ورای یک اجرا، مفاهیم عمیق انسانی و اسلامی را به تصویر می‌کشد.

ارتباط مخاطب امروزی با این رسانه را چگونه دیده‌اید؟

ذائقه مخاطب امروزی دستخوش تغییراتی شده است اما چاره این تغییر را با تجدیدخواهی غیر فنی تعزیه‌گردانی نمی‌توان

جبران کرد. خیلی از تازه کاران با دستکاری هنرهای سنتی به دنبال تجدیدگرایی بوده‌اند که متأسفانه این بر خورد و شیوه غیر فنی بیشتر به این هنرها آسیب رسانده است. کما اینکه مخاطب امروز آگاه است و زمانی که با اثر دستکاری شده روبرو می‌شود آن را بر نمی‌تابد. به همین خاطر شاهد هستیم که تعزیه‌هایی که در حال حاضر با همان سبک و شیوه سابق در روستاها اجرا می‌روند، مخاطبان همیشگی خود را دارند.

همکاری با داوود فتحعلی بیگی چگونه است؟

داوود فتحعلی بیگی برای ما مثل یک پیرمراد و مرشد است. بیش از یک دهه از آشنایی بنده با ایشان می‌گذرد باب آشنایی بنده با استاد از تعزیه‌خوانی در جشنواره سوگواری وفا شکل گرفت. همکاری با استاد علاوه بر یادگیری نکات آموزشی هنری یک کلاس اخلاقی و حرفه‌ای است. گروه ایشان بیش از همه چیز به اخلاق وفادار هستند و به همین خاطر بازیگرانی که در گروه نمایشی استاد حضور دارند بازیگرانی مومن هستند یعنی بازیگرانی که به کار خود ایمان دارند. در تجربه اجرایی نمایش عمو هاشم، ما در طول هر ۲۰ شب در انتهای کار گریه می‌کردیم و همین باعث می‌شد به یک تخلیه روحی و روانی کاملی در حین اجرا و تعامل با تماشاگر برسیم. این هنری است که استاد در ارتباط گیری با بازیگران و گروه هنری خود با آراستگی و پیراستگی اخلاقی که دارند شکل و پرورش داده می‌شود. فتحعلی بیگی به آنچه که در اجرا می‌آورد ایمان دارد. ایشان در این سن و سال برای دیدن نمایش‌های تعزیه به دور افتاده‌ترین روستاهای ایران سفر می‌کنند و علاقه‌مندان به هز بنه شخصی هنر نمایشی ایران را با تمام توان دنبال و دلسوز آن هستند. یاد دارم علی نصیریان نیز در یک سخنرانی اشاره کرده بودند که: «همه ما به دنبال کار خود رفته‌ایم و تنها کسی که از زندگی خود و همه چیز خود گذشته است داوود فتحعلی بیگی است که در حوزه نمایش‌های ایرانی مستمر فعالیت‌های پژوهشی و نوشتاری خود را ادامه داده است، چرا که او عاشق ایران و نمایش‌های ایرانی است.»

سوالی که بنده از اکثر بازیگران حرفه‌ای تئاتر دارم این است که آیا منبع درآمد و ارتزاق شما از همین راه می‌گذرد یا خیر؟

خیر من یک فروشنده فرهنگ و کتاب فروشی دارم که زندگی‌ام را از همان مسیر اداره می‌کنم، اصلاً تئاتر نمی‌تواند پاسخی‌نیزهای مالی هنرمندان رشته باشد و تنها یک عشق و جنون مقدس است.

آیا در بازیگری به دنبال کار تصویری هم هستید؟

همین حالا هم در حوزه گویندگی رادیو و تریبشن فعالیت می‌کنم، اگر تجربه کار تصویر هم دست دهد استقبال می‌کنم، بازیگری تئاتر یک کار دلی است که عاشقانه دوستش دارم و لذتی که صحنه تئاتر در ارتباط مستقیم با مخاطب برآید دارد، قابل توصیف نیست.

صحبت پایانی:

امروز تئاتر ما حال خوبی ندارد متأسفانه با یک سری بی‌مبالاتی‌ها که در مدیریت‌های غیر تخصصی تئاتر ریشه دارد، مواجه هستیم. همین حالا که چندین شب از اجرای نمایش در و گبر یک قرص نان، در تالار چهارسو می‌گذرد هنوز هیچ مسئولی از مرکز هنرهای نمایشی برای دیدن این اجرا حضور پیدا نکرده است. کما اینکه در اجرای عمو هاشم، در سال گذشته شاهد توجه ویژه‌تری از مسئولان مرکز بودیم. در این دروه از مدیریت گویا از آن حمایت توانمند ساز در بخش نمایش خبری نیست. هر چند کوروش زارعی تنها کسی بود که به این نمایش لطف داشت. داوود فتحعلی بیگی امسال با وجود بسیاری از هجمه‌ها و فشارها در تئاتر فجر امسال حضور پیدا کرده و دین خود را به تئاتر ایران ادا کردند که همین باعث شد شبکه‌های معاندی چون بی‌بی‌سی و اینترنشنال بر علیه ایشان هجمه‌های رسانه‌ای ایجاد کرده و او را تنها چهره شناخته شده این دوره از جشنواره فجر معرفی کردند. همین امر باعث تحریکات توهین آمیزی بر علیه ایشان در فضای مجازی شد. اما ایشان ثابت قدم حضور خود را حفظ کرده و اذعان داشتند که تنها راه موجود برای حفظ نمایش ایرانی این است که کار کنیم و نقدهای خود را در قالب هنر خود بیان کنیم. به همین خاطر من از مسئولان خواهش می‌کنم که قدر داشته‌های خود را بدانند. حرفم را در یک بیت خلاصه می‌کنم که قدر آینه بدانیم نه در آن روز که افتاد و شکست. یکی از دغدغه‌های بزرگ داوود فتحعلی بیگی این است که استاد مرشد ترائی از دنیا رفتند و ما نتوانستیم یک فیلم کامل از شاهنامه خوانی ایشان داشته باشیم. همچنین در خبر فوت هنرمند بازیگر شهرام عبدلی که بسیاری را متأثر کرد بیانگر این است که از هنرمند تنها میراثی که باقی می‌ماند نقش آفرینی‌های ویژه‌ای است که باید قدر شناس آن باشیم.

